



ماهیت عالم برزخ؛ آیا وضعیت افراد در عالم برزخ ثابت است

عالم برزخ، مادی صرف نیست، بلکه مثالی است، بعضی آثار جهان مادی در آنجا حضور دارند؛ برای مثال، در آنجا امکان کمال وجود دارد...

خبرگزاری مهر- عالم برزخ، مادی صرف نیست، بلکه مثالی است، بعضی آثار جهان مادی در آنجا حضور دارند؛ برای مثال، در آنجا امکان کمال وجود دارد، وضعیت فرد در عالم برزخ الزاماً ثابت و یکسان باقی نمی ماند، ممکن است بهتر یا بدتر شود و این بستگی دارد به آنچه که در این دنیا بر جای گذاشته است.

در بحث از نگرش های اسلامی به بسیاری از مباحث نگرش به زندگی نیز اشاره هایی شده است که در این نوشتار به اختصار مطالبی یاد آوری می شود.

الف) استمرار داشتن زندگی از دنیا به سوی آخرت

مرگ پایان زندگی نیست. بسیاری از ما انسان ها ممکن است به این شناخت رسیده باشیم که مرگ پایان زندگی نیست، اما ایمان به این مطلب و درونی سازی آن، امری فراتر از شناخت است. لازم است به این نگرش (هماهنگی سه بعد شناخت و عواطف و آمادگی رفتاری) برسیم که زندگی مستمر است. خداوند در موارد متعددی که افراد اطمینان لازم را نداشتند، برای آنها زمینه های باور قطعی را فراهم کرده است و در قرآن به آنها اشاره ای شده است از جمله آنکه: 171#& کسی (عزیز) از قریه ای می گذشت در حالی که خانه هایشان ویران شده و سقف هایش فرو ریخته بود، او با شگفتی گفت چگونه خدا (اهالی) این قریه را پس از مرگ زنده خواهد کرد؟ پس خداوند او را به مدت صد سال میراند، سپس او را زنده کرد و پرسید چقدر درنگ داشته ای؟ گفت یک روز یا بخشی از آن، خداوند فرمود: 171#& اما صد سال در اینجا متوقف بوده ای، به غذا و آب نگر، هنوز فاسد نشده اند. اما الاغت پوسیده و خاک شده است، ما خواستیم تا زنده شدن تو نشانه ای برای مردم باشد، به استخوان ها بنگر که چگونه آنها را از زمین بلند می کنیم سپس روی هم سوار می کنیم و گوشت (و پوست) بر آن می روینیم». عزیز، چون این امر برایش آشکار شد گفت: 171#& می دانم که خدا بر هر کاری تواناست». و نیز حضرت ابراهیم(ع) گفت: 171#& پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» خدا فرمود: 171#& مگر ایمان نیاورده ای؟» گفت: 171#& چرا، ولی می خواهم دلم آرامش یابد». فرمود 171#& پس چهار پرنده بگیر و آنها را پیش خود ریز ریز کن سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده، آنگاه آنها را به سوی خود فراخوان، آنها شتابان سوی تو خواهند آمد و بدان که خداوند توانای حکیم است». ابراهیم چنین کرد و دلش آرام گرفت. از این نمونه ها در قرآن بسیار است.

ما به هنگام مرگ، نابود نمی شویم، بر خلاف آنچه بعضی معتقد بودند و به پیامبر(ص) هم می گفتند، ما در زمین گم نمی شویم بلکه خداوند و فرشتگان او ما را به طور کامل تحویل می گیرند و ما به سوی پروردگار باز می گردیم. انسان ها به هنگام مرگ، بر حسب خوب یا بد بودنشان، دو گروه از فرشتگان را خواهند دید، انسان های خوب فرشتگان رحمت را می بینند و مرگ بر آنها آسان می شود و انسان های بد، فرشتگان عذاب را می بینند و مرگ بر آنها سخت و آزارنده خواهد بود.

ب) مراحل از زندگی گذشته است و مراحلی در پیش است

ما پس از مرگ وارد مرحله جدیدی از زندگی خواهیم شد که آن را 171#& زندگی برزخی» می نامیم. وقتی کفار حیات پس از مرگ را در خود احساس می کنند، شک و تردید آنها به یقین تبدیل می شود و می گویند: 171#& بار اله ما را دوبار[در دنیا و برزخ] میراندی و دوبار[در دنیا و آخرت] زنده کردی، اینک ما به گناهان خود اعتراف می کنیم، آیا راهی هست که ما از این مصیبت خارج شویم؟».

هنگام خواب، قالب مادی آدمی باقی می ماند و در بستر خفته است و قالب برزخی است که از انسان خارج می شود و ممکن است

جاهای مختلف برود. عالم برزخ، مادی صرف نیست، بلکه مثالی است، بعضی آثار جهان مادی در آنجا حضور دارند؛ برای مثال، در آنجا امکان کمال وجود دارد، وضعیت فرد در عالم برزخ الزاماً ثابت و یکسان باقی نمی ماند، ممکن است بهتر یا بدتر شود و این بستگی دارد به آنچه که در این دنیا بر جای گذاشته است. (اموری همانند: باقیات الصالحاتی مثل حفر چاه آب، درختکاری، جوی سازی، ساختن و تعمیر کردن کوچه، خیابان و مدرسه و...).

در برزخ زمان وجود دارد، شب و روز وجود دارد، صبح و شب وجود دارد...، برزخی ها به اندازه منزلت خود، از دنیا و از بستگان خود بازدید می کنند، در شرایطی، امکان دید و بازدید و اجتماع با همدیگر را دارند، با یکدیگر گفتگو می کنند. در عالم برزخ، عذاب و پاداش وجود دارد. افراد تمایل پیدا می کنند که به دنیا برگردند و کارهای نیک بیشتری انجام دهند، اما دیگر ممکن نیست، جهان برزخ از عالم طبیعت جدا و گسسته نیست که در انتهای این دنیا به جائی برسیم و این جهان نیز با دیواری بسیار بزرگ از طبیعت جدا گردد، بلکه دنیا و برزخ [مانند دو روی یک سکه] متصل و به هم پیوسته است.

برزخ ویژگی هایش ادامه دارد تا به امر خدا هنگام برپایی قیامت بزرگ فرا رسد؛ قبل از قیامت، یک حادثه شگفت، همه عالم را فرا می گیرد، زمین و آسمان به لرزه در می آید و همه موجودات دستخوش مرگ می شوند و نظام هستی دگرگون می شود. سپس، در آغاز برپایی قیامت، انقلاب شگفت تر از انقلاب اول صورت می پذیرد. این دو حادثه به امر خداوند از سوی یکی از فرشتگان (اسرافیل) انجام می شود که در قرآن از آن به عنوان 171#«نفخه صور« یاد می شود. با نفخه اول همه ترسان و هراسان، مدهوش مرگ می شوند در حالی که حتی فرصت انجام سفارش ها را نیز ندارند و گفتگوهای آنها با خانواده هایشان کامل نمی شود و با نفخه دوم همه باز زنده می شوند و بر می خیزند و حیات دوباره ای را می بینند. این دو نفخه، یکی پس از دیگری، زمین را با لرزه می اندازد.

روز قیامت در عبارت های قرآنی به نام های متعدد مثل یوم الدین، یوم الواجهه، یوم الرادفه، یوم المیعاد، یوم القارعه، یوم الحساب، یوم التلاق ... نامیده شده است که مورد بحث ما نیست. در آن روز از ستارگان و کهکشان ها و خورشید و ماه و... خبری نیست. ظلمت محض است. نوری وجود ندارد جز نور ایمان؛ 171#«زنان و مردان مؤمن را می بینی در حالی که نورشان از جلو و سمت راست حرکت می کند و آنها را به راهنمایی این نور از ظلمت صحرا عبور می کنند««؛ صورت های آنان شاداب است و به سوی پروردگارشان نظاره می کنند««؛ و 171#«به مهمانی سفره رحمت الهی دعوت می شوند««؛ در مقابل، سیمای مجرمان بسیار نامطلوب و سیاه است، غبار ذلت بر آن نشسته است. نه نیرویی دارند و نه یاری کننده ای.